

تحقیر فوتبال آلمان مقابل **ژاپن** برای دومین بار در کمتر از یک سال یک اتفاق عادی نیست، همان طور که سوال‌های مهمی درباره یک رویای ملی در جامعه ایران ایجاد کرد

روای ژاپنی؛ کارتونی که واقعی شد

فاطمه بریمانی‌ورندی خبرنگار گروه نقد روز

شب گذشته تیم ملی فوتبال ژاپن در یک بازی دوستانه توانست تیم ملی آلمان را چهار بر یک شکست بدهد تا این نتیجه تاریخی نیز در کارنامه سامواری‌ها در مقابل یک تیم اروپایی ثبت شود و بگویند برد قبلی مقابل این کشور در جام جهانی اصلا هم اتفاقی نبوده‌است تا رویای ژاپنی‌بیش از پیش در حال تحقق باشد. رویایی که در کارتون خاطره‌انگیز فوتبالیست‌ها ترسیم شد، حالا در زمین چمن ورزشگاه به نمایش درآمده‌است و دارد از شگفتی اولیه به روتین زندگی آنها بدل می‌شود. سال‌ها پیش ژاپنی‌ها رویایشان را در لایه فرهنگ و سینما ترسیم کردند و حالا به آن جامعه عمل پوشانده‌اند. از مصادیق آن انیمه فوتبالیست‌هایی است که ایده حکمرانی ورزشی ژاپن را به رخ می‌کشیدند. برد تیم‌های مطرح جهانی، برد برزیل، حضور درخشان در بازی‌های جام جهانی و… حالا همه اینها برایشان محقق شده‌است و نسل تازه جوانان ژاپنی رویایش را از جاهای بلندتری می‌تواند آغاز کند. اما مگر در ژاپن چه خبر است؟

ترسیم دنیای آینده با انیمه‌ها
اِپس از سال‌های جنگ جهانی دوم و در دوران جنگ سرد ژاپن که همواره با نوعی انزوا نسبت به غرب مواجه بود، در موقعیتی تصمیم به بازکردن دروازه‌های خود به سمت غرب و به‌ویژه آمریکا گرفت. آمریکایی‌ها هم از این فرصت استفاده کرده و در تلاش برای ایجاد تغییرات و اصلاحات در لایه‌های اقتصادی، سیاسی و مدنی این کشور بودند. با گذر زمان و بهره‌غرب از این کشور، ژاپن به خود آمده و به دنبال این بود تا بتواند برتری خود را در تمامی عرصه‌ها نسبت به غربی‌ها نشان دهد. در پی این سیاست، سوگندنامه‌ای تنظیم کرد که طبق آن بنا شد تا علم را در هر کجای دنیا که بود بیاموزند و در مقابل با آن برنیابند اما در ازای آن هر چه که از غرب آموختند را در فضای ژاپن و در جهت تحقق رویای ژاپنی اجرا کنند. اولین گامی که ژاپن برای ارتقا از وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب گرفت، در عرصه فرهنگ و سینما بود. کمتر کسی از ده‌های سنی مختلف وجود دارد که با انیمه‌های ژاپنی مانوس نبوده یا آنها را ندیده باشد. همه آنچه که ژاپنی‌ها از آینده خود ترسیم می‌کردند و همه آنچه که وضع مطلوب ترسیم می‌شدا را در انیمه‌هایشان نشان می‌دادند؛ از معروف‌ترین آنها که همواره بخشی از کودکی همه ما را به خود اختصاص داده و تبدیل به خاطره جمعی ما شد، انیمه فوتبالیست‌ها است. این انیمه در حوزه ایده حکمرانی ورزشی ژاپن مسیری را که او بنا به طی کردن آن داشت ترسیم کرده بود. فرهنگی که آنها در این انیمه در حوزه فوتبال پیگیری می‌کردند، برآمده از غلبه روح کار جمعی و گروهی بود که این کشور به‌عنوان رمز پیروزی در نظر گرفته بود. این کشور توانست از طریق انیمه‌ها و به کارگیری از صنعت سینما، فرهنگ کار جمعی و کار تیمی را پی‌ریزی کرده و از طریق انیمه فوتبالیست‌ها ایده حکمرانی ورزشی خود را به جهان معرفی کند. حالا همه آنچه در انیمه‌ها و در رویای سوباسا می‌دیدیم باز یکنان تیم ژاپن در زمین چمن استادبوم‌های مطرح جهان به نمایش گذاشته‌اند. ژاپن در جام جهانی ۲۰۲۲ آلمان را برده و اسپانیا را شکست داده و توانسته هویت تازه‌ای از فوتبال ملی برای خودش دست و پا کند. شب گذشته نیز باز یکنان این کشور با نمایشی کامل‌الژاپنی و تاکتیک‌پذیر ژرمن‌ها را در خانه‌شان تحقیر کردند.

در بازی دیشب کوپو با یکن رنال سوسیداد در دقیقه ۸۰ وارد بازی شد و همین موضوع نشان می‌دهد فرقی نمی‌کند شما چه کسی و در چه تیمی بازی می‌کنید؛ باید به روح ژاپنی احترام بگذارید.

برای قهرمانی باید ژاپنی بازی کنی
موتور توسعه و پیشرفت ژاپنی همواره پی‌برتری جویی در همه عرصه‌های مختلف صنعتی، ورزشی سیاسی و حتی فرهنگی بوده‌است. آنها اگرچه برای پیشرفت واردات دانش به غرب نگاه کردند اما در بسیاری از موارد توانستند پیشی بگیرند. سال‌ها ژاپنی‌ها از سرمربی‌های غیربومی استفاده می‌کردند که زیکو شاید تصویر واضح‌تری در ذهن ما باشد. اما رفت و آمد مربیان خارجی و همچنین نسل ستارگانی که در تیم‌های مختلف اروپایی توپ می‌زدند دانش فوتبال را در این کشور بومی کرده‌است به‌گونه‌ای که این روزها برده‌های سامواری‌ها همگی دست‌پخت‌ها جیمه‌مور یا سوسرمربی ژاپنی این کشور است. آنچه عیان به نظر می‌رسد، رشد و پیشرفت چشمگیر ورزش این کشور در عرصه جهانی با پیگیری سیاست‌های ورزشی دقیق و هوشمندانه است. آنها همیشه رقیب سنتی ما در ورزش‌های تیمی مانند فوتبال، والیبال و فوتسال بوده‌اند. ما بارها وقتی حتی از سد دیوار چین گذاشته‌ایم، گرفتار تاکتیک ژاپنی‌ها شده‌ایم و یکی از ژاپنی‌ترین گل‌های تاریخ فوتبال را در جام جهانی گذشته از این کشور خوردیم و باز هم رویای قهرمانی را به سال‌های بعد موکل کردیم. این در حالی است که شاید تیم ملی فوتبال ایران ستاره‌های پر فروغ‌تری نسبت به این کشور در ترکیب خود داشته‌است. اما گویا دانشی که ژاپنی‌ها در عرصه‌های مختلف علمی، ورزشی و فرهنگی به کشور خود وارد کردند حساسی ژاپن‌پزیزه شده طوری که بردن تیم‌های بزرگ برای این کشور دارد به یک روئین فوتبالی تبدیل می‌شود و اغراق نیست اگر بگوییم حالا سقف رویاهای کودکان ژاپنی را از آسیا به سمت سکوها جهانی سوق داده‌است.

در مسیر اصلاح چهره مخدوش ژاپن
اما با نوعی ایده حکمرانی ورزشی نوین در صنعت فوتبال ژاپن مواجه هستیم. ابتدای امر باید به این نکته توجه داشته باشیم که ژاپن برای رسیدن به فضا و جایگاه حال حاضر، مسیر پرفراز و فرودی را طی کرده‌است. در این خصوص با الهام عابدینی، کارشناس مسائل ژاپن گفت‌وگو کرده و از او در خصوص ایده حکمرانی ورزشی این کشور سوالاتی پرسیدیم. اول مساله‌ای که باید به آن توجه داشت، بحث لزوم ودلیل پرداخت بیش از پیش ژاپن در عرصه‌های قدرت‌های نرم است. بعد از به پایان رسیدن جنگ جهانی دوم، ژاپن شکست‌خورده شناخته شد و توسط نیروهای آمریکایی اشغال شد. پس از این شکست آنها در یافتند که حالا آن روح ملی گرای افراطی که پیش از جنگ جهانی دوم پررنگ بود را کار گذاشته و نظامی‌گری را به حاشیه برانند. در ازای این انزوای نظامی، دیپلماسی فرهنگی و بعضا ورزشی و مباحث مرتبط با فناوری را جایگزین کنند تا از این طریق بتوانند در جامعه جهانی حضور پیدا کرده و چهره خود را بازطراحی کنند. در این خصوص الهام عابدینی گفت: به دلیل آن اتفاقاتی که پیش از جنگ جهانی و در طول جنگ جهانی دوم برای کشور ژاپن رخ داده بود، وجهه این کشور زیرسوال رفته و به آن آسیب وارد شده بود. در میان کشورهای دیگر خیلی خشونت‌طلب و جنگ طلب تعریف شده بود و به همین جهت به دنبال بازسازی وجهه خود، به مباحث نرم روی آورده بود. او در رابطه با عملکرد سفرای این کشور برای ترمیم وجهه مخدوش این کشور این‌طور گفت: «حال سفارت ژاپن در ایران را اگر نگاه کنید می‌بینید که به برنامه‌های فرهنگی اهمیتی بیشتری می‌دهند، مانند آموزش زبان ژاپنی، آموزش اورینگامی به‌عنوان کاردرستی ژاپنی و نمایش انیمه‌های ژاپنی و برگزاری گالری‌های متعدد. همچنین رایزن فرهنگی‌شان به زبان فارسی در شبکه‌های مجازی فعال است. مثلاً می‌بینم که سفیر این کشور به رستوران‌ها و گالری‌های ایرانی می‌رود و سرمی‌زند. عابدینی معتقد است فعال بودن سفیر و رایزنان فرهنگی این کشور حاکی از تلاشی است که آنها در مسیر اصلاح وجهه خود انجام می‌دهند. **انیمه‌ها و مانگاهای ژاپنی، اولین ابزار تقویت قدرت نرم**
از لوازم اصلاح چهره مخدوش شده و افزودن بر گسترده قدرت نرم یک کشور بهره‌گیری از ابزارهای متعدد فرهنگی و اجتماعی است، یکی از ابزارهایی که ژاپن از آن استفاده کرد، انیمه‌ها و مانگاهایشان بود. عابدینی در رابطه با استفاده ژاپن از این صنعت در خصوص حکمرانی ورزشی اش گفت: «بخش جدی از صنعت انیمه و مانگاهای ژاپن متعلق به ورزش است. مثلاً یکی از معروف‌ترین انیمه‌های ژاپن در ایران و در خیلی از کشورهای دیگر «فوتالیست‌ها» یا «هایکی او» است که درباره تیم والیبال است که در آن هم مانند فوتبالیست‌ها نوجوان حضور دارند و نکته جالب اینکه در خود ژاپن هم این انیمه‌ها خودش خیلی پرطرفدار است. نکته بعدی این است که خود منابع ژاپنی خیلی تأثیر داشته که کودکان و نوجوانان ژاپنی از همان سن کم به ورزش علاقه‌مند شوند و ورزش حرفه‌ای آن‌ها و به‌سمت این بازی‌ها بروند. شما در سال‌های اخیر می‌بینید که ژاپن در ورزش خیلی پیشرفت کرده و خود منابع ژاپنی اعلام کردند این انیمه‌ها در تربیت نسل جدید خیلی تأثیر داشته است.»

ورزشی متأثر از این کنفیسوسی ژاپنی
اِوی این فضای ورزشی را تنها مختص به ابزار رسانه‌ای ندانسته و معتقد بود فرهنگ اعتقادی مردم ژاپن هم به این تحول کمک کرده‌است: «به‌طور کلی ژاپن با توجه به اینکه یک فرهنگ کنفیسوسیسم ژاپنی دارد، یعنی تغییراتی در مدل وارداتی از چین ایجاد کرده و با توجه به آیین و فرهنگ ژاپنی ایجاد کرده است. در نتیجه آن بسیار به ساختار و قالب ریس-منوسی اهمیت می‌دهند و کار تیمی در آنها جدی بوده و به‌شدت آدم‌های فرم‌نبردار می‌هستند. همین الان هم می‌بینید که ژاپنی‌ها اگر بخواهند خودشان را معرفی کنند، اولویت را به جایی می‌دهند که در آن مشغول به کار هستند. بعد فامیل و بعد اسم‌شان را می‌گویند. همین نشان می‌دهد که ساختاری که در آن هستند تا چه حد برایشان مهم است و تا چه حد فرمانبردار و مطیع هستند.» با توجه به این تحلیل می‌توان به این گزاره رسید که در این حالت فرهنگ ژاپنی که ریشه در باورهای اعتقادی آنان دارد، باز یکنان در یک رابطه مری-باز یکن، بدون چون و چرا مطیع بوده و نسبت به ساختار احساس پایبندی بیشتری دارند. در ادامه بحث الهام عابدینی به این نکته اشاره کرد که پس از شکست این کشور در جنگ جهانی دوم چند سالی به اشغال آمریکا درآمده بود و چون ایالات متحده مساله تأمین امنیت این کشور را برعهده گرفته بود، بودجه هنگفتی که برای تسلیحات نظامی کنار می‌گذاشت را کاهش داده و بیشتر به دیپلماسی فرهنگی و ورزشی و عرصه فناوری پرداخت. او معتقد بود این ایده حکمرانی ورزشی الان در ژاپن اجرایی شده است، محصول دهه ۹۰ میلادی و ۲۰۰۰ هست که آن زمان در این بخش سرمایه‌گذاری بسیاری شده و حالا باید به این نکته توجه داشته باشیم که ژاپن از یک‌دهه گذشته تقریباً به‌سمت کاهش بودجه‌های بخش فرهنگی ورزشی و اختصاص آن به بخش نظامی رفته‌است.

راه ژاپنی و ورزش برای فردا، برنامه موفق ژاپن
با این وجود از نظر این کارشناس برگزاری بازی‌های جام جهانی در کشور ژاپن نقطه عطفی برای هدفی بود که آنها در پی داشتند. آنها به‌دنبال بازتعریف وجهه خود بودند و این فرصت با پذیرش مشترک مسئولیت برگزاری بازی‌های جام جهانی رقم خورد، آمار گردشگری در ژاپن به‌طور چشمگیری افزایش یافته و خصوص حکمرانی ورزشی نیز به برنامه‌های جدیدی رسیدند. عابدینی در یکی خصوص گفت: «برگزاری جام جهانی فرصت خیلی خوبی بود برای ژاپنی‌ها، برای اینکه آن تغییر وجهه‌شان را به دنیا نشان دهند و بگویند که به‌دنبال صلح خودشان هستند. بعد از آن هم مدام آمار گردشگری ژاپن افزایش پیدا کرد. این کارهایی که ژاپن برای پیشبرد حکمرانی ورزشی انجام داد، بحث «راه ژاپن» بود، سیاستی را به‌عنوان راه ژاپن اجرا کرد که فلسفه تیم ملی فوتبال ژاپن است و رسماً قدراسیون فوتبال ژاپن این را ارائه داد و اعلام کرد لازم است از نوجوانی و دوران کودکی سرمایه‌گذاری کرده و کودکان را به فوتبال علاقه‌مند کرد. در ادامه به نکته جالبی در این خصوص اشاره کردند: «برخلاف بسیاری از کشورهای حاشیه خلیج فارس که به‌دنبال خرید بازیکن‌های خارجی با هزینه‌های زیاد برای تیم‌شان هستند، ژاپن به‌دنبال تربیت بازیکنان خوب بومی از دوران کودکی تا بزرگسالی است. الان حدود ۱۵ درصد از بازیکنان فوتبال ژاپن غیرژاپنی هستند، به‌خاطر اینکه بیشتر تمرکز بر تربیت بازیکنان بومی و حتی صادرات بازیکنان خوب به‌لیگ‌های معتبر اروپایی است.» سیاست ورزش برای توسعه، نام برنامه جدید ژاپنی‌ها برای کشورشان و همچنین برای مردم جهان است، عابدینی در پایان به این برنامه که در سال ۲۰۱۸ طراحی و منتشر شد، این‌طور اشاره کرد: «از نکات جالب این سیاست برنامه کلان برای جامعه جهانی بود، یعنی به‌دنبال آن بودند که نه تنها داخل خود ژاپن ورزش را توسعه دهد، بلکه به‌صورت همزمان در راستای همان بهبود چهره خود و دیپلماسی عمومی که پیش گرفته‌است، در جامعه جهانی هم نقش آفرینی کند. طبق این برنامه که عنوان «ورزش برای فردا» را داشت، نخست‌وزیر اعلام کرد که به‌دنبال تخصیص بودجه برای استعدادیابی و پرورش بازیکنان ماهر و همچنین تأمین زیرساخت‌های توسعه ورزشی هستند. ژاپن از این طریق به کشورهای توسعه‌یافته یا کمتر توسعه‌یافته اعلام کرده بود که با کمک‌های مالی گسترده می‌خواهد ورزش را در جامعه جهانی گسترش دهد.» حالا

باید دید شگفتی بعدی ژاپنی‌ها در عرصه‌های ورزشی چه خواهد بود به‌خصوص آنکه دی ماه امسال قرار است جام ملت‌های آسیا نیز برگزار شود.

جوان ایرانی، برد ژاپنی، بمب عربستانی!

حضورمان در عرصه‌های ملی جام جهانی بود که با دو شکست و یک پیروزی به خانه برگشتیم. در همان رقابت‌ها که ما سنگین‌ترین شکست تاریخ‌مان در این رقابت‌ها را تجربه کردیم، ژاپن در مرحله گروهی همین آلمان را دو بر یک برد و ۱۰ ماه بعد، همان آلمان را چهار بر یک در هم کوبید! در این ۱۰ ماه، ما با فوتبال ملی خودمان چه کرده‌ایم و ژاپن چه کرده؟ ژاپن چه کرده که می‌تواند آلمانی که دو بر یک برده بود را چهارگله کند؟ در این ۱۰ ماه چه کردند که دو گل به گل هایشان اضافه شد؟ ما چه کرده‌ایم که دفعه بعدی به آمریکا نیازم یا دیگر مقابل انگلیس ضربه سنگین نخوریم؟ آیا اگر امروز با تابان را تکان بدهیم و سرود «کیمیاگو» سر بدهیم و حتی مثل عربستان یا قطریم که ۱۰ سال اخیر را برای صرف ریل‌گذاری برای ورود به مسیر توسعه کرده باشند و امسال با سروصدای فراوان فاصله گرفتن‌شان با آسیا را آغاز کنند. ما نه ژاپنیم و نه عربستان. کدامیم؟ هیچ! ما ایرانیم. درگیر قصه حق پیشی که نمی‌دهیم و ورزشگاه‌هایی که تجهیز و به‌روز نکرده‌ایم و باشگاه‌هایی که هزینه زیاد دارند اما دستاوردهاشان بالا نیست. آخرین



هومن جعفری

خبرنگار

دقیقه ۸۹ دیدار آلمان و ژاپن است. ژاپنی‌ها گل سوم را وارد دروازه میزبان کرده‌اند. تصویر از شادی دو ستاره ژاپنی زوم می‌کند روی نیمکت آلمان. هانسی فلیک با تمام وزن و حال خراب و غرور له شده‌اش خود را روی صندلی پرت می‌کند. نه اینکه بخواهد بنشیند. ناچار است خودش را ببندازد. وزن باخت پهنش می‌کند روی نیمکت. نهایی شدن شکست را حتی پیش از رسیدن به دقیقه ۹۰ پذیرفته. در خانه از ژاپن عقب است و راهی برای نجات سراغ ندارد. دو دقیقه بعد گل چهارم به‌نمر می‌رسد. دوربین دوباره روی او زوم می‌شود. همانجا روی نیمکت نشسته! تکان هم نخورده! کاری از دستش بر نیامده که بتواند جلوی تلخ‌تر شدن این شکست را بگیرد. نشسته و بطری آب را دست گرفته و با چشمانی خون گرفته به زمین نگاه می‌کند. شوکه شده، تحقیر شده و صد البته آماده برای جدایی از ماشافا!!

اما شوکه شدن فقط مختص او نیست. همه بازیکنان و حاضران در ورزشگاه از این نتیجه